

# مشاهدات و تفکرات

در مملکت ایران بیشتر اموری را که انسان مشاهده میکند ، چه اجتماعی و چه اداری ، در جریان مغول و طبیعی نیست . چون بوسیله انتقاد محتمل است که بتوان بازیگران اوضاع اداری و سیاسی را متنبه کرد و تا اندازه ای باصلاحات موفق گردید ، در نظر گرفته شد که از این پس در تحت عنوان فوق مشاهدات نامموزار را با انتقادات لازم در مجله درج کنیم .

همه چیز مملکت ما واژگونه است ، از آنجمله

« اسرار دولت » آنچه باید مستور بماند مکشوف و آنچه باید علنی

شود مکتوم میماند ، آنچه اهمیت دارد با نظر

و  
افکار ملت

عدم اهمیت بان مینگردند و برای چیزهای ناقابل

حیثیت زیاد قائل میشوند . مثل زیاد است . . . .

البته در همه جای دنیا با اصول سیاسی که امروزه حکمفرماست

دولتها اسزاری دارند که حفظ آن نه تنها بر اولیای امور لازم ، بلکه

بز ارباب جراید هم که باید مدافع مصالح مملکت باشند فرض است .

کلیه جراید ایران باین عقیده و عمل باشند یانه ، نمیدانم . اما « آینده »

از روز تأسیس باین عقیده بوده و عملا هم از آن تجاوز نموده است .

از طرف دیگر جراید که هادی افکار ملت هستند باید در نشر ،

توضیح و انتقاد امور دولتی که جنبه سری ندارد خودداری نکنند .

مثلا وقتی در مملکتی وزارت خارجه معاهده مخفی در حفظ مصالح مملکت

با دولتی منعقد می نماید اغضاء آن وزارتخانه و ارباب جراید نباید در صد

افشاء آن باشند ؛ اما اگر همان وزارتخانه معاهده علنی با دولت دیگری

ببندد ، خواه معاهده بضرر یا بنفع مملکت باشد ، بر ارباب جراید لازم

است که در صدد انتشار و انتقاد آن برآیند و مأمورین وزارت خارجه نیز باید در دادن صورتی از عهدنامه و اطلاعات لازم دیگر بمطبوعات مضایقه نکنند . در مورد اول مذکور در فوق بحفظ اسرار دولت و در مورد ثانی بهدایت افکار ملت همه موظف هستیم . در اغلب وزارتخانههای امور خارجه ممالک متمدن اطلاق برای اینطور مطالعات و استفاده اسناد دیپلماتی موجود است ، و اگر جز این بود در آن ممالک متمدن تر از ما به تبع و نشر آنچه کتابها در تاریخ سیاسی و دیپلماتی موفق نمیشدند . . .

دوماه قبل بعد از آنکه در مجلس نطقهای

قرار داد ۱۹۱۹

شدید راجع بقرار داد ایران و انگلیس

۱۹۱۹ نمودند . همان قرار دادی که در موقع انتشار بامتن و حواشی ، باتکذیبها و تعریفها در غالب جراید اروپا درج گردید . ما بوزارت خارجه رجوع کرده خواستیم نسخه فارسی صحیح آنرا گرفته در مجله درج نمائیم . عین قرار داد در زمان صدارت آقای وثوق الدوله در جراید طهران ( از جمله روزنامه رعد ) منتشر گردیده بود . اینجانب نیز متن فرانسه آنرا از روزنامه تان پاریس در کتاب « سیاست اروپا در ایران » نقل کرده بودم . پس نه برای من نه برای سایر مردم هیچ تازگی و جنبه سری نداشت و غرضی هم از تجدید طبع آن در نظر نبود ، همانطور که مقصود خصوصی از درج اسناد سیاسی و تاریخی دیگر مانند معاهده ۱۹۰۷ یا عهدنامه های دیگری که در شماره های بعد چاپ خواهیم کرد نداریم . منتهی چون موضوع قرار داد ۱۹۱۹ مطرح شده يك نوع حالت فعلی داشت ، ما هم موقع را مناسب دانسته خواستیم در تازه ترین شماره خود به نشر آن اقدام نمائیم . . . اما درخواست ما در دوائر مربوطه وزارت خارجه مانند بمبی ترکید ، مثل اینکه ما بکشف يك معاهده سری مبادرت کرده باشیم . هیچکس از کهنتر و مهتر نمیخواست مسئولیت این کار را عهده گیرد . بالاخره بعد از آنکه از این اطاق بدان اطاق

رجوع شد و این بان نگرینست بما گفتند که نه تنها متن قرارداد در وزارت امور خارجه نیست بلکه اثری هم از آن در آنجا نمیباشد! و گفتند که «دوسیه» آن باید در کابینه ریاست وزراء باشد. رجوع کردیم. بعد از دو روز مهلت جواب داده شد که اصلاً يك چنین چیزی در آنجا هم نیست! ... چون تصور میکردیم که اصل قرارداد در دو نسخه فارسی و انگلیسی بسته شده خواستیم اصل فارسی را بدست آورده طبع نماییم که البته از ترجمه معتبر تر بود. متأسفانه در وزارت خارجه نتوانستند حتی این اطلاع مختصر را هم بما بدهند که نسخه های اصلی معامله بچه زبان یا بکدام السنه بوده است... بگذریم!

خیال کرده بودم که در همان شماره دوازده

معاهده ۱۹۰۷

مشاهدات فوق را بنویسم، ولی دست نگام داشتم،

بخود گفتم نظر باینکه قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس بسته شده و يك عده رجال ایرانی که هنوز هم وزیر و وکیل هستند در انعقاد یا در انتقاد آن شرکت داشته اند و در حقیقت اصل موضوع با منافع عده کثیری مربوط است شاید بعضی از این آقایان محترم اداری بهزار ملاحظه «عقل بسند» شخصی نخواسته باشند که مورد مسئولیتی (!) واقع شوند باینواسطه در آن شماره سخنی نگفتم و سخطی هم نشنفتم. اما مورد جدید پیش آمد که حقیقه بیطاقتم نمود، و هر چه با داد بنگارش این سطور مبادرت کردم. میدانم برخی از دوستان - اگر منصف نباشند - خواهند رنجید. اما راستی تا کی میشود بایند این ملاحظات بود؟ مصالح مملکت ما فوق همه این چیزهاست. مورد جدیدی که مرا عصبانی کرد معاهده ۱۹۰۷ بود. چون خواستم در این شماره متن قرارداد روس و انگلیس ۱۹۰۷ را طبع نمایم و ترجمه فارسی آن در دست نبود بوزارت خارجه رجوع شد، اما ایندفعه هم به «شیره مالی» گذراندند. ترجمه ای را که از معاهده مذکور در این شماره قرائت میفرمائید از کتاب معاهدات

سیاسی تألیف (البن) که در کتابخانه خود داشته نقل شده است و در اداره مجله ترجمه گردیده است.

از مشاهده این اوضاع حیرت آور و این طرز تفکرات فکر کردنها بی اندازه متأثر شدم. هیات که ایران با این وزارتخانه و این اداره بازیها بتواند اصلاح شوند و ترقی کند! در همین مملکت که مطالب آشکار شدنی بلکه آشکار را جزو «اسرار دولت» فرض میکنند و در دادن آنها بجزائری که هادی افکار صومعی و پاسبان حقوق ملی میباشند امتناع دارند، اسرار واقعی دولت را مراکزی که نباید بداند میداند. اسرار دولتی ما هم مثل رأی دادن در موقع انتخاباتمطمئن است که مخفی است... اما از برای خود رأی دهنده چونکه بیسواد است و نمیداند ورقه رأی که باو داده اند در صندوق بیندازد باسبب کسبیت! شاید بگویند که در وزارت امور خارجه حتی سواد هم از این اسناد موجود نیست و در هیچ دفتری هم ثبت و یادداشت نشده، با هیچ نسخه روزنامه و کتابی هم که در آن درج شده باشد ندارند. اگر واقعا چنین باشد هزار بار زیادتر مایه تأسف و تأثر خواهد گردید! حتی معاهده ۱۹۰۷ را هم نمیتواند بگویند چون بین دو دولت اجنبی بسته شده و ایران جزء انقضاء کنندگان نیست نداریم، زیرا که آن معاهده درخصوص ایران بوده وبعلاوه بعدها دولت ایران مجبوراً آنرا برسمیت شناخت... در خاتمه برای اینکه سوء تفاهمی نشود باید بگوئیم که ما در این موضوع با وزیر محترم امور خارجه صحبتی نکرده بودیم و ایشان از این پیش آمد بی اطلاعند و اشخاص معینی را هم طرف نكوهش قرار نمیدهیم زیرا اغلب با ما دوست هستند و با کمال مهربانی مقصود ما را انجام نداده یا توانسته انجام دهند. فقط و فقط مقصود تشریح اوضاع خراب اداری ایران است و این برده کوچکی از آن بود که در این شماره بالا بردیم. بقیه در شماره های بعد...

دکتر افشار